

خوشه و خرمن

O حسین شیخ‌الاسلامی



عنوان کتاب: توی اخبار رادیو
شاعر: هادی خورشاهیان
ناشر: نشر اوج
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۳۲ صفحه
بها: ۶۰۰ تومان

مثالی دیگر، شاملو در «ظلمات مطلق ناپینایی»، شعر را با توصیف آغاز می‌کند و ادامه می‌دهد و تنها یک جمله در پایان می‌افزاید: «آه احساس رهایی بخش هم چراغی!» این جمله نقطه ثقل کل این شعر است، یعنی تمام آن چه پیش از این در شعر رخ داده، در خدمت این جمله و این جمله قرار است منعکس کننده کل حس شعر باشد.

به هر حال، فرصت کوتاه است و امیدوارم همین مقدار برای آشنایی با مفهوم نقطه ثقل یک شعر کافی باشد. در ادامه، بعضی نکات مربوط به نقطه ثقل را ذکر می‌کنیم و به سراغ اصل مطلب، یعنی کتاب «توی اخبار رادیو» می‌رویم:

۱) این گونه نیست که تمام شعرها، نقطه ثقلی داشته باشند و باز این گونه نیست که به راحتی بتوان نقطه ثقل یک شعر را تشخیص داد. وجود یا عدم وجود نقطه ثقل در یک شعر، به دو عامل مهم بستگی دارد: یکی روایی بودن یا نبودن شعر و دیگری پراکنش حس شاعرانگی در سراسر متن. اکثر شعرهای روایی دارای نقطه ثقل هستند؛ چرا که روایت خود نیاز به گره‌گشایی دارد و وقتی یک روایت در قالب شعر جا می‌گیرد، اغلب (تأکید می‌کنم اغلب) آن چه شاعر مدنظر داشته، همان گره‌گشایی ماجراست. بنابراین در اکثر موارد، اشعار روایی دارای نقطه ثقل هستند. استراتژی شاعر نیز در چگونه جذب کردن مخاطب، نقش مهمی در وجود یا نبودن نقطه ثقل در یک شعر دارد. در واقع شاعر می‌تواند حس موردنظر را آن قدر در سطر سطر شعر بپراکند که عملاً ما با شعری بی‌مرکز روبه‌رو باشیم (دف اثر براهنی) و نیز می‌تواند برای جذب مخاطب از ترفند غافلگیری استفاده کند که در این صورت، معمولاً (و باز هم معمولاً) ما شاهد نقطه ثقل در شعر خواهیم بود (دست تو چقدر تأخیر دارد... اثر احمدی).

۲) نقطه ثقل شعر، جای خاصی ندارد و می‌تواند در اول شعر، وسط یا آخر شعر بیاید.

۳) در مورد شعر با مخاطب خاص (مثلاً نوجوان، تشخیص نقطه ثقل بسیار آسان‌تر است؛ زیرا تشخیص ترفندهای به کارگرفته شده و نیز شناخت هدف متن، راحت‌تر ممکن می‌شود.

«توی اخبار رادیو» مجموعه‌ای است شامل شانزده شعر، سروده‌های خورشاهیان که بنا بر تصریح خود کتاب، هر شانزده شعر، شعر نوجوان است. در این فرصت، در نظر داریم بنابر روال چند مقاله اخیر، از زاویه متن‌شناسی ادبیات کودک، این مجموعه شعر را بررسی کنیم. آن چه نگارنده در این نوشته مد نظر دارد، بررسی «نقاط ثقل» اشعار این مجموعه و برجسته ساختن آنها است تا مخاطب‌شناس - که در این جا احتمالاً باید در شناخت نوجوانان متخصص باشد - بتواند به راحتی در باب موفق بودن یا نبودن این کتاب داوری کند.

اما پیش از آغاز بررسی، لازم است مختصری در باب این که اساساً تعریف ما از «نقطه ثقل» یک شعر چیست و این «نقطه ثقل» چه کارکرد و نقشی در یک شعر دارد، سخن بگوییم. پس بحث را با مقدمه‌ای در این باب آغاز می‌کنیم.

مقدمه

در این نوشته، نقطه ثقل یک شعر، چنین تعریف می‌شود: «نقطه ثقل یک شعر، آن بخشی از شعر است که یا کل و یا بخش اعظم و اصلی حس یا معنایی را که شعر قرار است انتقال دهد، در خود خلاصه کرده است.»

در واقع می‌توان گفت که نقطه ثقل یک شعر، عنصر تمامیت بخش به یک شعر است. بدین معنا که درگیر کردن خواننده با متن، تا حدود زیادی برعهده این عنصر گذاشته شده و نیز احتمالاً آن چه پس از سال‌ها از آن شعر در خاطر خواننده می‌ماند، همان نقطه ثقل شعر است.

شاید با چند مثال بتوان راحت‌تر مفهوم نقطه ثقل شعر را نشان داد. مثلاً نقطه ثقل شعر «حقیقت دارد»، اثر احمدرضا احمدی، همان جمله اول شعر است: «حقیقت دارد / تو را دوست دارم.» باقی شعر در واقع پانوشتی شاعرانه بر این جمله است. بلافاصله بعد از این جمله می‌خوانیم: «در این باران / می‌خواستم / تو در انتهای خیابان نشسته باشی / من عبور کنم / سلام کنم / لبخند تو را در باران می‌خواستم» و... آن چه حس کلی شعر را می‌سازد، شهود عاشق بودن و اعتراف به عشق نزد خود است؛ چیزی که در همان بند اول بیان شده.

۴. چگونگی نقطه ثقل، ارتباط مستقیمی با مضمون مطرح شده در شعر، ساختار اثر و نیز در موارد خاص - مثل شعر نوجوان - فهم مخاطب دارد.
 ۵. و بالاخره از آن جا که نقطه ثقل یک شعر، در واقع چکیده آن شعر است، می‌تواند چنان مشتی نمونه خروار، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.
 گفتیم که کتاب «توی اخبار رادیو» مجموعاً ۱۶ شعر ارائه می‌کند. شاید بهتر باشد برای این که بتوانیم تصویر و تصور درستی از کتاب داشته باشیم، به کتاب از سه منظر مضمون، ساختار و زبان (صنایع ادبی) نگاهی بیندازیم.

مضمون

شانزده شعر این کتاب از لحاظ مضمون، در وهله نخست به دو بخش تقسیم می‌شوند: اشعار روایی و اشعار غیرروایی. اشعار روایی که شامل شعرهای شماره ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ می‌شود، حاکی از تلاش شاعر برای نزدیک کردن دنیای افراد خاص و محروم، به دنیای مخاطبان خود است. او در این اشعار، در واقع لحظاتی دراماتیک و نمایشی می‌آفریند و آن‌ها را با شاعرانگی در هم می‌آمیزد. به این هدف که مخاطبش را برای لحظه‌ای هم که شده، از آن سوی خط، بخش ممنوع و طرد شده آگاه سازد. قهرمان‌های این شعرها عبارتند از: «بچه‌های فقیر، دختری بی‌بادبادک، شاعری بی‌مخاطب، دایناسوری تنها و غمگین و...» به این ترتیب، در این سری از اشعار مجموعه، هدف اصلی شاعر، تصویر کردن دنیایی دیگرگون برای مخاطب خود است؛ به نوعی تعریف دیگرگون دنیاهای نادیده. اما در باقی اشعار، شاعر پدیده‌های طبیعی را دستمایه کار خود قرار داده است. او در این اشعار، از موضوعاتی مثل باران، باد و تکان خوردن شاخه‌های درختان، مرزبندی‌های رسمی، رعد و برق و... استفاده می‌کند تا مخاطب خود را با نگاه نو آشنا سازد و تعبیر خویش را از این پدیده‌های روزمره و همیشگی، به مخاطبش انتقال دهد. در یک کلام، می‌توان هدف شاعر را در این دسته از اشعار، آشنایی‌زدایی از مفاهیم روزمره دانست.

ساختار

برخلاف تنوع مضامین، تقریباً تمام این شعرها از ساختاری واحد سود می‌برند. در این ساختار، شعر به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول که حجم بزرگ‌تری دارد، صرف توصیف اتفاقات پیشاپیش رخ داده و نیز حالات و وضعیت موجود می‌شود. در واقع بخش اول، فضای اثر را برای مخاطب روشن می‌سازد و بخش دوم هر شعر نیز - که گاهی با ستاره از بخش اول جدا می‌شود - بازگوکننده نقطه ثقل هر شعر است. در اکثر موارد، شاعر سعی کرده است با یکبارگی نقطه ثقل و همزمان کردنش با پایان

شعر، هم خواننده را غافلگیر کند و هم تأثیرگذاری شعرش را افزایش دهد.

زبان

زبان شعرهای این کتاب، ساده و سراسر است. شاعر خصوصاً در شعرهای روایی، شعریت شعر را کاملاً به وزن و حس شاعرانگی وا می‌گذارد و خود خیلی ساده و به دور از صناعات ادبی و فنون زیباشناختی کلام، مطلب را بیان می‌کند. البته تمام شعرهای کتاب به این حد ساده نیست. مثلاً شعر «نگاه مهربان آفتاب» (ص ۱۲) نسبتاً از شعرهای پیچیده‌تر کتاب است که در آن شاعر از تشبیه مرکب، تشخیص و حس تعلیل استفاده کرده تا بارش باران و شکفتن گل را آشنایی‌زدایی کند.

شعر دیگری که نسبتاً از لحاظ زیبایی‌شناسی کلام، نمره بالایی می‌گیرد، شعر «سفر آب، آسمان کشتی» (ص ۲۹) است. این شعر هم با حسامیزی و درهم‌آمیختن روایت و بازی‌های کلامی، فضایی خاص و شاعرانه خلق می‌کند. اگر دقت کنید، علی‌رغم ظاهر روایی این شعر، آن را در میان شعرهای روایی قرار نداده‌ام. این بدان علت بود که این شعر و دو شعر دیگر، بالکل فضایی متفاوت از دیگر اشعار مجموعه دارند. این شعرها فاقد نقطه ثقل هستند و پرکندگی احساس شاعرانگی در آن‌ها، مانع برجستگی سطر یا بندی نسبت به دیگر بخش‌های شعر می‌شود.

به هر حال، در نگاهی کلی می‌توان گفت، زبان هادی خورشاهیان در «توی اخبار رادیو»، بسیار نزدیک به زبان معیار است. در واقع اتفاقی که قرار است مخاطب را به خود جذب کند، در سطح زبان رخ نداده است، بلکه در سطح مضمون رخ می‌دهد و زبان تنها وظیفه‌اش این است که با استفاده از وزن، خواننده را به دنبال خود بکشاند و نیز گاهی با انتخاب و ارائه قافیه‌های مناسب و غافلگیر کننده، وی را بیشتر به درگیر شدن با شعر بکشاند.

اکنون که کما بیش از این سه منظر، تصویری کلی از اشعار «توی اخبار رادیو» کسب کرده‌ایم، می‌توانیم به سراغ بحث «نقاط ثقل» برویم و با بررسی نقاط ثقل این اشعار، تناسب آن‌ها را با دیگر ویژگی‌های شعری بسنجیم.

نقاط ثقل

(۱) اشعار روایی:

نقاط ثقل اشعار روایی این مجموعه، در بیشتر موارد دو ویژگی مشترک دارند: (۱) روایت را پیش می‌برند و به پایان می‌رسانند (۲) به صورت واضح و مشخص، تفاوت یا وجه امتیاز قهرمان داستان را به رخ مخاطب خویش می‌کشاند. در این مورد می‌توان چند شعر را مثال زد:

شعر توی روزنامه جنگ شد: توی روزنامه‌های فصل سرد / تیتیر شد / «کودکی / صبح روز قبل / روی روزنامه مرده بود.» (ص ۱۴) پیش از این نقطه‌ثقل که پایان شعر نیز هست، مخاطب تنها از دو چیز آگاه است؛ یکی این که قهرمان داستان روزنامه می‌فروشد و دیگری تیتیرهای روزنامه امروز، اما در سه سطر پایانی، ما می‌فهمیم که روزنامه‌فروش پسر است، جا و مکان ندارد، دیشب روی روزنامه خوابیده و از سرما مرده است.



شعر مرز نیز این‌گونه پایان می‌گیرد: «کودکی که رنگ صورتش پریده است / دست خویش را برای کودکی که آن طرف نشسته / می‌دهد تکان.» (ص ۲۲) خورشاهیان در اکثر شعرهایش، کوشیده است مخاطب خود را با ارائه یک تصویر جذاب - اگرچه روزمره - و غریب - اگرچه تکراری - به سمت اثر بکشاند و الحق - از منظر یک خواننده بزرگسال و منتقد ادبی - در شعرهای روایی‌اش، از پس این کار به خوبی برآمده است.

شعرهای او در واقع شعرهایی صحنه‌ای هستند. بدین معنا که کل اثر روایی، پیرامون یک صحنه شکل می‌گیرد و تمام اجزای اثر، در خدمت همین یک صحنه هستند. مثلاً خداحافظی دو دوست یک روزه که خود می‌دانند دوستی‌شان طولانی نخواهد شد، باعث شده شاعر دست به خلق شعر «عصر روز شنبه» بزند و اگرچه در این شعر روایت را به خدمت می‌گیرد، روایت خلق شده تنها به کار تحمیل بار عاطفی بیشتر به صحنه نهایی می‌آید. شعر «مرز» نیز همین حکایت را دارد و نیز شعر «چتر آدم‌برفی»، «توی اخبار رادیو» و...

این باعث شده که شعرهای خورشاهیان، شعرهایی دو قسمتی باشند: قسمت طولانی اول توصیف پیش، پس و اتفاقات و صحنه‌های هم ارز تصویر مرکزی و بخش دوم ارائه ناگهانی و یکباره تصویر مرکزی (که همان نقطه ثقل شعر است).

در باب نقاط ثقل شعرهای روایی این مجموعه، نکات زیر را می‌توان بازگو کرد:

۱) شاعر دو وظیفه نوآمان را بر عهده نقطه ثقل گذاشته است؛ یکی این که روایت را بازگو کند و دیگری این که شاعرانگی را منتقل گرداند. این بدان معناست که نقطه ثقل شعر، باید در عین پیش‌برندگی، بار احساسی نیز داشته باشد. شاعر این مجموعه، برای آن که نقطه ثقل شعرهایش، بتواند این دو نقش را به انجام برساند، رو به صراحت و سرعت (دو عامل مهم در فنون روایی) آورده و با توجه به این که بار حسی شعرهایش نه در سطح زبان که در سطح روایت اتفاق می‌افتد و نیز چون تلاش دارد که نقاط ثقل آثارش غافلگیر کننده و کوبشی نیز باشد، سعی کرده با اتکا به وزن و اکتفا به کم‌ترین پیچیدگی زبانی، نقطه ثقل‌هایی صرفاً موزون بیافریند که ارزش هنری‌شان در همین صراحت و سادگی باشد. از منظر ادبی، وی در برخی شعرها در این کار موفق بوده و در برخی نه. مثلاً پایان‌بندی شعر عصر شنبه (عصر شنبه / باقرار روز بعد / دست می‌دهیم و / از کنار هم عبور می‌کنیم / در مسیر خانه / خاطرات عصر شنبه را / مرور می‌کنیم) بسیار خوب درآمده، ولی پایان‌بندی شعر «توی روزنامه جنگ شد»، همان گونه که دیدیم، تا حدود زیادی به کلیشه‌های مرسوم نزدیک شده و فاقد آن قدرت جذب قابل قبول است.

۲) مخاطب برای درک کامل اتفاقاتی که در نقاط ثقل می‌افتد، نیازمند مهارت‌هایی است. مثلاً او باید صراحت، سادگی و کوبندگی زبان نقاط ثقل را دریابد؛ یعنی باید تا آن حد در امر ادبی ورزیده باشد که بتواند ترفندی را که شاعر به آن دست زده - ناخودآگاه - دریابد. یکی دیگر از مهارت‌هایی که مخاطب این اشعار باید داشته باشد، داشتن تجربه پیشینی و توان درک حسی است که کل روایت بر مبنایش شکل گرفته است. مخاطب شعر «عصر روز شنبه» باید درکی نسبی از نوستالژی دوستی‌های کوتاه مدت دوران کودکی داشته باشد. مخاطب شعر «توی اخبار رادیو» باید معنای انتظار را بداند و حس انتظار را بفهمد و... در کل، این یک متخصص امور نوجوانان است که می‌تواند در باب این که آیا این نقاط ثقل می‌تواند با کودک ارتباط برقرار کنند یا نه توضیح دهد. آنچه از دست نگارنده - به عنوان متن‌شناس - برمی‌آید، همین ذکر نکات فنی این اشعار است تا مخاطب‌شناس بررس این متون، تصویر بهتری از آن‌ها داشته باشد.

۳) شعرهایی که مانند این شعر تک محوری هستند، اگر دارای نقاط ثقل باشند، موفقیت‌شان منوط به موفقیت همین نقاط ثقل است؛ یعنی در شعرهایی تا بدین حد تک محوری که تمایز محور شعر و اضافات و حواشی آن تا بدین حد واضح است، با یک لغزش ساده در تنظیم نقطه ثقل، کل ارزش اثر از بین می‌رود

و شعر به طرز محسوسی نزول می‌کند. این نکته، با توجه به این که مخاطب این اشعار، نوجوانانی با طیف‌های متفاوت و سلیق، عواطف و تجربه‌های متنوع هستند، تا حدودی می‌تواند نقطه ضعف آن محسوب شود. در حالی که اگر اشعار تا بدین حد تک‌گویانه و براساس یک تصویر تنظیم نمی‌شد، شاید درصد احتمالی موفقیت آن در ارتباط با مخاطبش بیشتر می‌بود.

اشعار غیرروایی

نقاط ثقل اشعار غیرروایی کتاب «توی اخبار رادیو»، دقیقاً برعکس اشعار روایی آن هستند؛ یعنی اگر در شعرهای روایی، بخش اعظم پیشرفت شعر برعهده نقطه ثقلش بود و نیز این بخش از شعرها، کم‌ترین میزان تعقید و خیال‌انگیزی را داشت در شعرهای غیر روایی، خیال‌انگیزترین بخش‌ها، همان نقاط ثقل شعر هستند. این بدان علت است که در این اشعار، شاعر می‌کوشد منظره‌ای آشنا را آشنایی‌زدایی کند؛ یعنی خواننده را وادارد با نگاهی هنرمندان به اطراف خود بنگرد. برعکس شعرهای روایی که سوژه‌هایی غریب داشت و شاعر ناچار بود از توصیف، برای آشنا کردن مخاطب با سوژه استفاده کند، این‌جا دقیقاً فرآیند مخالف روی می‌دهد؛ یعنی از توصیف برای غریب‌نشان دادن صحنه‌های آشنا برای مخاطب استفاده می‌شود و از آن‌جا که نقطه ثقل، چکیده و نیز خط پایان این اشعار است، حداکثر خیال‌انگیزی و بار عاطفی را در این بخش شعر می‌بینیم (مثلاً شعر «نگاه مهربان آفتاب» این گونه پایان می‌یابد: «قطره‌ها / دست محکمی برای گل زدند»). در باب نقاط ثقل اشعار غیر روایی، نکات زیر گفتنی است:

۱) نقاط ثقل در این اشعار نقش تکمیلی دارند؛ یعنی برعکس اشعار روایی که کلاً به دو بخش تقسیم می‌شد، اشعار غیر روایی کتاب، معمولاً یکسره و بدون گسست است. این باعث شده که آن حس یگانه‌ای که هر شعر به دنبال انتقال آن است، راحت‌تر قابل دریافت باشد.

۲) اما از سوی دیگر، این سادگی و یکپارچگی شعر و نقاط ثقلش، باعث نوعی بیگانگی میان شعرهای روایی و غیرروایی می‌شود. نگارنده این نوشته، فاقد تخصصی است که براساس آن تشخیص دهد شعرهای غیر روایی کتاب، مخاطب کم‌تجربه‌تری نسبت به مخاطب شعرهایی روایی آن می‌طلبد، اما به هر حال، از منظر ادبی این واضح است که درک و دریافت حس شاعرانه در اشعار غیرروایی، بسیار ساده‌تر رخ می‌دهد.

شعرهای باقی‌مانده:

سه شعر «کودکان ابر»، «سفر آب، آسمان کشتی» و «زیر آواز ماه خوابش برد»، از آن‌جا که حس شاعرانه در آن‌ها به صورتی کاملاً یکدست پراکنده شده است، بالکل فاقد نقطه ثقلند و به همین دلیل نیز از دایره بررسی ما دور مانده‌اند.

جمع بندی

در این فرصت کوتاه، سعی کردیم نگاهی به یکی از ویژگی‌های ادبی مجموعه شعر «توی اخبار رادیو» بیندازیم، اما این تنها یکی از چندین رویکرد ممکن به شعر است. در واقع متن‌شناسی شعرهای کودک و نوجوان، اگر بخواهد جامع و مانع باشد و به تنهایی برای مخاطب‌شناس این متون کفایت کند، یکی از کارهای دشوار و زمان‌گیر در حوزه نقد ادبی است؛ زیرا برای تشخیص این که مخاطب یک شعر چه مهارت‌ها و تجربه‌هایی باید داشته باشد، چندین رویکرد باید با هم مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، آنچه ما پیش از این گفتیم، به هیچ وجه ادعای جامع و مانع بودن ندارد، بلکه صرفاً با توجه به امکانات موجود، سعی کرده است یکی از جنبه‌های این مجموعه شعر را آشکار سازد.